

انتفاضة دوم فلسطين؛ باز خوانی سناریوها

□ دکتر محمد رضا دهشیری *

این مقاله به بررسی چهار سناریوی مطرح شده درباره دلایل وقوع انتفاضة دوم فلسطین می‌پردازد. سناریوی اول بر طراحی عرفات برای واداشتن طرف اسرائیلی به عقب‌نشینی درباره بیت المقدس تأکید دارد. در سناریوی دوم به بهره‌برداری تبلیغی جمهوری خواهان آمریکا برای نشان دادن ناکارآمدی اقدامات کلینتون در فرآیند صلح خاورمیانه اشاره شده است. در سناریوی سوم گرایش حزب لیکود برای وادار کردن کابینه باراک به کناره‌گیری اشاره شده است. سناریوی چهارم توافق باراک و شارون برای وادار کردن عرفات به امتیازدهی را مورد توجه قرار می‌دهد. نویسنده در نهایت به این نتیجه‌گیری می‌پردازد که سناریوهای اول و دوم مربوط به فرآیند انتفاضة، سناریوی سوم مربوط به نتیجه و پیامد بحران و سناریوی چهارم مربوط به نقطه آغازین بحران است.

مقدمه

به دنبال ورود تحریک آمیز آرپل شارون رهبر حزب لیکود به مسجد الاقصی و سخنرانی وی مبنی بر مشروعیت حق اسرائیل نسبت به مکان مزبور، بنای هیکل سلیمان

* عضو هیأت علمی دانشکده روابط بین‌الملل

و جبل‌هیكل یا محوطه مسجدالاقصی، انتفاضة دوم مردم مسلمان فلسطین با شعار «بالروح، بالدم، لبیک یا اقصی» * آغاز شد. انتفاضة مزبور از چند لحاظ با انتفاضة اول فلسطین در سال ۱۹۸۷ متفاوت است.

نخست، انتفاضة اول از کرانه باختری رود اردن و نوار غزه آغاز شد، در حالی که امواج انتفاضة دوم از داخل اراضی اشغالی ۱۹۴۸ یعنی مناطق مسکونی اعراب اسرائیلی شروع شد و گسترش یافت، به گونه‌ای که رژیم صهیونیستی تمامی مناطق اشغالی را به محاصره در آورد و برای سرکوب مردم مسلمان فلسطینی از هواپیما و بالگردهای نظامی استفاده کرد.

دوم، انتفاضة اول در اثر حادثه‌ای غیرسیاسی (کشته شدن چند فلسطینی توسط کامیوندار اسرائیلی) شروع شد در حالی که انتفاضة دوم، در اثر رخدادی سیاسی (دیدار آریل شارون از مسجدالاقصی) از قدس شریف آغاز گردید.

سوم، انتفاضة اول بازتاب چندانی بر موضع‌گیری کشورهای عرب نداشت، در حالی که انتفاضة الاقصی با توجه به تجربه چندین سال ناکامی مذاکرات سازش خاورمیانه و حمایت وسیع دانشجویان مصر، اردن، لبنان، سوریه، کویت، امارات متحده عربی و قطر موجبات عکس‌العمل شدید آنان را فراهم کرد. انتفاضة دوم مردم فلسطین به گونه‌ای بر کشورهای جهان (عربی، اسلامی و سایرین) تأثیر گذاشت که دولت‌ها را به عقب‌نشینی در قبال خواسته‌ها و نظرات احاد جامعه واداشت. شکل‌گیری تظاهراتی در عربستان سعودی به حمایت از نهضت فلسطین و اعلام تحریم خرید کالاهای آمریکایی از سوی مفتی عربستان، بیانگر مقبولیت انتفاضة در کشورهای اسلامی است، به ویژه آن که امکان گسترش دامنه درگیرها به لبنان، سوریه و اردن نیز وجود دارد.

چهارم، انتفاضة اول در نظام دوقطبی و در دورانی بود که تصمیمات سیاسی از مرکزیت

* «با خونم، باروحم، به توای مسجدالاقصی لبیک می‌گویم»

تصمیم‌گیری در نظام بین‌الملل (یعنی اتحاد شوروی و ایالات متحده، آمریکا) به زیر سیستم‌های منطقه‌ای اعمال و تحمیل می‌شد. حال آن که انتفاضة الاقصی در دوران نظام تک-چند قطبی و زمانی شکل می‌گیرد که تأثیرگذاری پویش‌های منطقه بر فرآیندهای بین‌المللی آغاز شده به گونه‌ای که جریان دیالکتیک نظام بین‌الملل و نظام‌های منطقه‌ای منجر به پیدایش مفهومی به نام گلوکالیسم* شده است.

پنجم، انتفاضة اول در نظام وستفالیایی شکل گرفت که در آن دولتها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل محسوب می‌گردند؛ در حالی که انتفاضة دوم در نظام پسا وستفالیایی ظهور یافته است که در آن بازیگر غیرحکومتی از جمله حماس و جنبش جهاد اسلامی مدیریت بحران را از کف بازیگران حکومتی (تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم صهیونیستی) خارج ساخته‌اند. این مهم ناشی از اقدامات تبعیض آمیز کابینه‌های راست و چپ اسراییل و عدم التیام جراحات ناشی از اشغالگری بوده که زمینه را برای گسترش دامنه نارضایتی شهروندان عرب فراهم کرده است.

ششم، در انتفاضة اول شاهد سیاسی شدن رسانه‌ها و در انتفاضة دوم رسانه‌ای شدن سیاست کاملاً ملموس است. به عبارت دیگر در عصر جهانی شدن، رسانه‌های ارتباط جمعی و ماهواره‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی موجب شده‌اند سیاست با کمک تصویر رقم بخورد. نمایش صحنه‌های رقت‌انگیز کشتار فلسطینی‌ها از رسانه‌های جمعی جهان و به ویژه ارسال تصویر شهادت محمدالدوره کودک ۱۲ ساله فلسطینی در آغوش پدرش، موجب شد رژیم صهیونیستی در سطح جهان با محکومت و انزوای چشمگیری روبرو شود. در جریان رأی‌گیری شورای امنیت در ۱۷ مهر ۱۳۷۹ برای صدور قطعنامه ۱۳۲۲ در محکومیت اقدامات سرکوبگرانه اسراییل، آمریکا مجبور به دادن رأی ممتنع به قطعنامه

* Glocalism

شد و بدین گونه کشتار فلسطینی‌ها توسط اسرائیل، با اکثریت قاطع در شورای امنیت محکوم گردید.

هفتم، در انتفاضه اول، تلقی اسرائیل از تهدید بیشتر بیرونی بود و از این لحاظ جمهوری اسلامی ایران را به عنوان حامی انتفاضه، منشاء تهدید می‌دانستند. اما در انتفاضه دوم، تصور اسرائیل از وجود تهدید منطقه‌ای به درک تهدید درونی تبدیل شده به گونه‌ای که نمایندگان عرب کنست را به اعتراض علیه اقدام شارون و حتی پیشنهاد تشکیل دولتی به ریاست یک عرب واداشته است.

حال با توجه به شناخت ویژگی‌های انتفاضه الاقصی، شایسته است دلایل وقوع آن از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد. نظر به این که دیدگاه‌های متفاوتی درباره منشاء تحولات اخیر خاورمیانه مطرح شده است، مقاله حاضر به کالبدشکافی سناریوهای مزبور می‌پردازد.

الف) سناریوی اول، طراحی عرفات

بر اساس این سناریو، یاسر عرفات، رییس تشکیلات خودگردان فلسطین در پی ناکامی در مذاکرات کمپ دیوید دوم (۲۰/۴/۷۹ تا ۳/۵/۷۹) به دنبال تهدیدات آمریکا و رژیم صهیونیستی، در صدد برآمد تا با راه‌اندازی انتفاضه جدید، اسرائیلی‌ها را به عقب‌نشینی از مواضع خود به ویژه در رابطه با مسئله بیت‌المقدس وادارد. عرفات می‌خواست به اسرائیل و آمریکا بفهماند که اصرار او در مورد مسجد الاقصی و بیت‌المقدس یک تصمیم فردی نیست، بلکه روح حاکم بر فلسطینیان و اعراب چنین حکم می‌کند و این مطالبه از پشتوانه‌ای نیرومند برخوردار است.

واقعیت آن است که مسئله قدس به عنوان ارزشی اساسی از سوی دو طرف به حساب می‌آید و رسیدن به توافق اصولی درباره آن، بدون عقب‌نشینی یکی از طرفین امکان‌پذیر

نیست. مواضع صهیونیست‌ها نشان دهندهٔ این امر است که آنها به هیچ وجه بر سر بیت‌المقدس سازش نخواهند کرد. آنان هر گونه مذاکره‌ای را منوط به تحقق سه خواستهٔ عمده یعنی حفظ سیادت کامل بر محوطه زیر مسجدالاقصی، سیادت بر دیوار ندبه و حفظ محله‌های یهودیان شرق بیت‌المقدس می‌دانند. به گفتهٔ ایهود باراک، اسرائیل از سه اصل مهم یعنی امنیت شهروندان اسرائیلی، یکپارچگی بیت‌المقدس و حفظ اماکن مقدس صرف نظر نخواهد کرد و هرگز سندی را امضاء نمی‌کند که به موجب آن بیت‌المقدس به فلسطینی‌ها واگذار شود. از این رو، یاسر عرفات چاره‌ای جز بهره‌گیری از فرصت پیش آمده پس از ورود شارون به بیت‌المقدس نداشت تا با راه‌اندازی انتفاضهٔ جدید، فلسطینیان را به رویارویی با اسرائیل تشویق کند و با دامن زدن به بحران، صهیونیست‌ها را به عقب‌نشینی از مواضع خود وادارد، به ویژه آن که زمینه‌های عینی قیام مجدد فلسطینی‌ها نیز فراهم بود. بنا بر اظهارات «شکیب الصینه» مسئول جنبش جهاد اسلامی فلسطین، «درست است که پس از دیدار شارون از مسجدالاقصی، خشم فلسطینی‌ها به اوج خود رسید، اما نباید فراموش کرد که این خشم، به دلیل سرسختی باراک و مخالفت با اجرای توافقنامه‌ها متراکم شده بود و فلسطینی‌ها مترصد فرصتی بودند تا آنزجار خود را به نمایش بگذارند». وی می‌افزاید: «تجربهٔ مقاومت لبنان و پیروزی بر دشمن صهیونیست، در اذهان مردم غیور فلسطین جای گرفته و هم‌اینک فلسطینی‌ها دریافته‌اند که فقط با جهاد، مبارزه و شهادت در راه خدا و میهن می‌توانند سرزمین‌های اشغالی را آزاد کنند».

از دیگر سو، صهیونیست‌ها نیز معتقدند عرفات رییس تشکیلات خودگردان، بنا به توصیهٔ محمود عباس (ابومازن) دبیر کل سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) و برخی کادرهای قدیمی این جنبش، در صدد برآمد تا با تحریک انتفاضه، رژیم صهیونیستی را به پذیرش استقلال دولت فلسطین وادار سازد. به نظر صهیونیست‌ها، تشکیل جلسه‌ای مرکب از گروه‌های اسلامی و ملی فلسطین در ۷/۸/۷۹ برای ایجاد هماهنگی بیشتر میان

آنان در مقابل رژیم صهیونیستی و تأکید بر ادامه انتفاضه، بیانگر آن است که ساف راه خشونت را برگزیده است. در این رابطه، آنان به اظهارات سلیم الزعنون رییس شورای ملی فلسطین استناد می‌جویند که ابراز داشته بود: «انتفاضه فلسطین ادامه خواهد یافت و فلسطینی‌ها برای برپایی دولت مستقل فلسطینی آماده‌اند شهید بدهند». لذا تشکیلات خودگردان، جوانان فلسطینی را به انجام عملیات شهادت طلبانه تشویق نموده است.

بر اساس این سناریو، عرفات پس از مشورت با شورای ملی فلسطین و به دنبال موکول کردن اعلام دولت مستقل فلسطینی از سپتامبر ۲۰۰۰، به ژانویه ۲۰۰۱ در صدد برآمد تا این انتفاضه را به نهضتی آزادیبخش و حرکتی اجتماعی تبدیل کند و با وارد کردن اسرائیل در جنگی فرسایشی - که بسیار پرهزینه است - او را به استیصال بکشاند و به امتیازدهی در خصوص پذیرش حاکمیت فلسطینی‌ها بر قدس شرقی وادار نماید. از این روست که عرفات در ۷ آبان ۱۳۷۹ اعلام داشته است: «انتفاضه فلسطینی‌ها تا تشکیل و اعلام دولت مستقل فلسطینی ادامه خواهد داشت.» در این راستا، مروان برغوثی رهبر جنبش فتح در کرانه باختری نیز گفته است: «مردم فلسطین برای مبارزه و ادامه انتفاضه آماده‌اند. من به عرفات می‌گویم که مردم برای مبارزه آماده‌اند و ما آماده‌ایم انتفاضه را ادامه دهیم. ما یکی پس از دیگری قرارداد و معاهده امضاء کردیم، ولی اسرائیلی‌ها به هیچ کدام از آنها پایبند نبودند. نسل جدید اعتراض‌کننده (فلسطینی) نسل دوران شروع روند مذاکرات اسلو است و این نسل امیدی به چنین صلحی ندارد.»

بر اساس این سناریو، عرفات با تحریک انتفاضه چندین هدف را در آن واحد تعقیب می‌نموده است:

نخست، به زانو درآوردن صهیونیست‌ها با کشاندن آنان به جنگهای خیابانی و فرسایشی (با توجه به این که راهبردهای نظامی اسرائیل بر مبنای اقدام به حملات برق‌آسا شکل گرفته و توان درگیر شدن در جنگهای فرسایشی و دراز مدت از ارتش صهیونیستی

سلب شده است) با توجه به ضعف و تحلیل ارتش اسرائیل در درگیریهای فرسایشی و نیز وارد آمدن ضربات روانی عظیمی بر آنان - فرار روزافزون سربازان ارتش اسرائیل از اردوگاههای نظامی فلسطین اشغالی - عرفات در صدد برآمد رژیم صهیونیستی را به استیصال بکشاند و او را به عقب‌نشینی از مواضع خود، مجبور نماید.

دوم، با توجه به این که بیش از ۴۵ درصد از اقتصاد اسرائیل را بخش خدمات تشکیل می‌دهد، عرفات با ایجاد بحران، در صدد برآمد زین‌های اقتصادی فراوانی را بر پیکره اقتصاد شکننده اسرائیل وارد کند.

سوم، عرفات پس از پیروزی حزب الله لبنان بر رژیم صهیونیستی، با بهره‌گیری از روحیه تقویت شده فلسطینی‌ها در صدد برآمد با تشویق مردم به ادامه و تشدید انتفاضه، اقدام به تقویت وحدت درونی و ارتقای سطح آمادگی فلسطینیان کند و باراه‌اندازی و هدایت انتفاضه، به مذاکرات آتی جهت دهد و سمت و سوی تحولات را به نفع تشکیلات خودگردان تغییر دهد.

چهارم، با اقدام مزبور عرفات توانست به خلع سلاح تبلیغاتی گروههایی چون حماس و جهاد اسلامی که ساف و فتح را به سازشکاری در برابر رژیم صهیونیستی متهم می‌کردند بپردازد. او با آزاد کردن ۱۲۰ زندانی جنبش حماس از زندان‌های خود که در نوار غزه و کرانه باختری رود اردن بازداشت بودند به این مهم توفیق یافت.

پنجم، عرفات می‌خواست با بهره‌گیری از پیروزی خود در عرصه دیپلماسی چندجانبه با جلب حمایت اکثریت اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، کنفرانس سران عرب و سازمان کنفرانس اسلامی، سران عرب را به حمایت جدی‌تر از تشکیلات خودگردان وادارد. موفقیت عرفات در اعلام توقف روابط اقتصادی، تعلیق گفتگوهای اقتصادی منطقه با رژیم صهیونیستی، اعلام حمایت از انتفاضه با تشکیل دو صندوق با سرمایه یک میلیارد دلار در بیانیه سران عرب و نیز قطع روابط

کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی در اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در قطر، نشان داد که ابتکار او در به راه‌اندازی انتفاضة کار ساز بوده است. وی با دامن زدن به بحران انتفاضة توانست امتیازاتی جدید - علاوه بر جلب حمایت بین‌المللی و جذب کمک‌های اعراب - کسب کند که این امر تاکنون بی‌سابقه بوده است.

ب) سناریوی دوم: طراحی جمهوری خواهان آمریکا

سناریوی دوم آن است که حزب جمهوری خواه آمریکا برای ربودن گوی سبقت از حزب رقیب در انتخابات ریاست جمهوری، در صدد برآمدن از انتفاضة بهره‌برداری تبلیغاتی نماید تا از این رهگذر، اقدامات بیل کلینتون در پایه‌ریزی مذاکرات سازش خاورمیانه را بی‌اساس جلوه دهد. بر این اساس، تظاهرات ضد اسرائیلی ۱۰ هزار نفری که در نیویورک علیه جنایات رژیم صهیونیستی صورت گرفت و در آن مسلمانان، مسیحیان و حتی یهودیان مقیم شرق آمریکا شرکت داشتند، اقدامی پنهانی از سوی جمهوری خواهان تلقی می‌شود تا وجههٔ دمکرات‌ها - که به حمایت مؤثر و همه‌جانبه از اسرائیل معروفند - را نزد افکار عمومی آمریکا خدشه‌دار سازند و از این طریق پیروزی جرج دبلیو بوش را بر آل‌گور تحکیم بخشند.

علاوه بر این، دستاویزهای تبلیغاتی نظیر حمله تظاهرکنندگان به سفارت‌خانه‌های آمریکا در یمن و سوریه، حمله انتحاری یک قایق به ناوشکن آمریکایی «کول» مورد بهره‌برداری تبلیغی جمهوری خواهان قرار گرفت تا اعلام دارند که روند صلح خاورمیانه به کاهش اعتبار و مقبولیت بین‌المللی آمریکا منجر شده است.

این گونه اقدامات تبلیغاتی، کلینتون را واداشت تا برای مهار انتفاضة و نشان دادن پیشرفت روند مذاکرات سازش، رهبران فلسطینی و اسرائیلی را به پای میز مذاکره بکشاند تا ضمن نمایش و ثبت موفقیت تلاش هفت‌سالهٔ خود برای حل و فصل منازعات

خاورمیانه، ال‌گور معاون خود و کاندیدای حزب دمکرات را موفق و کارآمد جلوه دهد. همچنین اقدام به تشکیل اجلاس شرم‌الشیخ نمود تا به افکار عمومی آمریکا نشان دهد که مذاکرات صلح خاورمیانه همچنان از مقبولیت و مطلوبیت منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است.

گرچه اجلاس شرم‌الشیخ نتوانست در حل محل اختلاف طرفین (حاکمیت بیت‌المقدس و آرام کردن اوضاع فلسطین اشغالی) توفیق یابد، اما توافق طرفهای شرکت‌کننده در پایان اجلاس درباره برچیده شدن نقاط برخورد میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها، عقب‌نشینی سربازان اسرائیل از کرانه غربی رود اردن و نوار غزه، خاتمه محاصره مناطق تحت کنترل حکومت خودگردان فلسطین، بازگشایی فرودگاه غزه و تشکیل کمیته حقیقت‌یاب برای تحقیق درباره رویدادهای اخیر در فلسطین اشغالی، پیروزی نسبی ولو گذرا برای کلینتون به منظور مجاب کردن افکار عمومی آمریکا در مورد وجود دیدگاههای مشترک برای خاتمه دادن به بحران خاورمیانه به شمار می‌آید. اما این اقدام نه تنها نتوانست ناپره انتفاضة را خاموش سازد، بلکه پیروزی دمکراتها بر جمهوری خواهان را نیز به ارمغان نیاورد.

ج) سناریوی سوم: طراحی حزب لیکود

بر اساس این سناریو، آریل شارون طبق صلاح‌دید جناح افراطی حزب راست‌گرای لیکود و بدون هماهنگی با باراک، اقدام به دیدار از مسجدالاقصی نمود تا ضمن تحریک فلسطینیان، عرصه را بر رقیب خود ایهود باراک و حزب کارتنگ گرداند و باراک را که از اکثریت بسیار ضعیفی در کنست برخوردار است در لبه پرتگاه سقوط قرار دهد.

بر مبنای این سناریو، تحلیل حزب لیکود بر دو پایه قرار داشت الف: باراک در مقابل خشم فلسطینیان اقدام به برخورد جدی و مقابله به مثل می‌کند و روابط تشکیلات

خودگردان فلسطینی با حکومت اسرائیل تیره و شعارهای انتخاباتی باراک و حزب کار مبنی بر امنیت در مقابل صلح بی اثر می شود. ب: باراک در مقابله با فلسطینی‌ها تعلق می ورزد و آنگاه در داخل اسرائیل با اعتراضات عمومی مواجه می گردد. احزاب ائتلافی نیز از دولت وی جدا می شوند بدین ترتیب دولت وی سقوط می کند و در مقابل محبوبیت حزب لیکود افزایش می یابد.

این سناریو مورد قبول برخی گروهها از جمله جنبش جهاد اسلامی فلسطین است. شکیب الصنیه مسئول این جنبش در جنوب لبنان، در تحلیل اقدام شارون اظهار داشته است: «به دنبال بن بست گفتگوهای سازش میان عرفات و باراک درباره سر نوشت بیت المقدس، حزب لیکود موضوع بیت المقدس را بهترین سوژه یافت تا با توسل به آن بتواند در انتخابات آینده در برابر حزب کار پیروز شود. باراک در عین حال با دستاویز قرار دادن موضوع بیت المقدس، می کوشد از فروپاشی فزاینده کابینه اش جلوگیری کند و به بهانه دفاع از یکپارچگی بیت المقدس به عنوان پایتخت همیشگی رژیم غاصب، در انتخابات آینده از حزب لیکود پیشی گیرد.»

بر اساس این سناریو، هدف شارون از دیدار مسجد الاقصی، متزلزل کردن پایگاه، موقعیت و حکومت باراک بوده است. با توجه به رقابت سیاسی شارون و باراک درباره روند سازش، حزب لیکود این دیدار را طراحي کرده است تا اولاً شارون رییس هیأت نمایندگی اسرائیل در مذاکره با فلسطینیان باشد که معنای آن عدم اعطای هر گونه امتیاز به فلسطینی‌هاست. ثانیاً باراک را به برگزاری انتخابات پیش از موعد و زودرس فراخواند. ثالثاً حکومت را به آن سمت هدایت کند که سیاست خارجی اسرائیل همانند سیاست دفاعی آن باشد تا پست وزارت دفاع از آن حزب لیکود گردد.

د) سناریوی چهارم: هماهنگی قبلی باراک و شارون

بر اساس این سناریو، شارون با هماهنگی قبلی با باراک راهی یکی از امن‌ترین مناطق مورد منازعه - قدس شریف - شده است. حضور سه هزار سرباز اسرائیلی برای حفظ امنیت شارون مؤید آن است که ورود وی به قدس، اقدامی از قبل طراحی شده و با موافقت باراک بوده است. موارد زیر دلایل این اقدام هماهنگ را بیان می‌کند: اول، آنکه به طور ضمنی به عرفات و تشکیلات خودگردان وی بفهمانند که باید دست از مقاومت بی حاصل بر سر مسئله قدس به عنوان پایتخت دولت فلسطین بردارد. دوم عرفات از اعلام دولت مستقل فلسطینی منصرف گردد، یا این امر را به بعد از توافق بر سر شهر بیت المقدس و مسجد الاقصی موکول کند. سوم، با توجه به تب انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا بتواند با پشتوانه حمایت ایالات متحده، در معامله با فلسطینی‌ها از موضع قویتر برخورد کند و از سوی دیگر آمریکا نیز بر فلسطینی‌ها برای قبول توافق بر سر قدس فشار وارد آورد. چهارم، حاکمیت صهیونیست‌ها بر «جبل هیکل» یا «محوطه مسجد الاقصی» را بار دیگر ابراز و تثبیت نمایند. در تأیید این امر می‌توان به سخنان شارون پس از دیدار وی از مسجد الاقصی اشاره کرد که می‌گوید: «من به مسجد نرفتم، بلکه برعکس، به مقدس‌ترین اماکن یهودیها رفتم و برای رفتن به آنجا، گرفتن مجوز از هیچ کس لازم نبود. همه این اماکن مال ماست و من به باراک یادآوری کردم که قدس، به هیچ وجه تجزیه پذیر نیست و الی الابد در دست ما خواهد ماند.»

احزاب لیکود و کار بر لزوم یهودی کردن کامل بیت المقدس و اخراج فلسطینیها از این شهر و ادامه حاکمیت بر مسجد الاقصی اتفاق نظر دارند. بازدید آریل شارون رئیس حزب لیکود از مسجد الاقصی در سایه حفاظت بیش از سه هزار نیروی نظامی صهیونیست، مبین برنامه ریزی قبلی سران احزاب یاد شده درباره موضوع پیامدهایش بوده است. دولت باراک

آرزو دارد حفظ یکپارچگی بیت المقدس به عنوان پایتخت همیشگی اسرائیل و تخریب مسجدالاقصی را به نام خود به ثبت برساند و در راه تحقق این هدف با واگذاری یک محله در بیت المقدس به عرفات مخالفتی ندارد.

در واقع، رژیم صهیونیستی بر اساس راهبرد «فرصت» در صدد است از موقعیت به وجود آمده برای تثبیت خویش در اراضی فلسطین اشغالی، بهره گیرد. بهترین فرصت برای این رژیم، دوران رقابت انتخاباتی در آمریکا بین دمکرات‌ها و جمهوری خواهان است که آنان را از انجام اقدامی قاطع در برابر سیاست‌های توسعه طلبانه این رژیم بر حذر می‌دارد. اسرائیل از فرصت ناشی از سرگرم بودن آمریکا به انتخابات ریاست جمهوری، مشغول بودن اروپا به افزایش بهای نفت، تلاش برای لغو محاصره اقتصادی مردم عراق، بهره بردن از امتیازات بیشتری را از عرفات اخذ نماید. مقامات صهیونیستی در مذاکرات کمپ دیوید دوم دریافتند که فلسطینی‌ها حاضر به سازش در مورد قدس نیستند. در نتیجه، طراحی دیدار شارون از قدس شریف به منظور انداختن تقصیر بر گردن فلسطینی‌ها و کم کردن قبح حضور اسرائیل در اذهان مردم منطقه، به عنوان یک واقعیت بوده است تا اهداف سیاست خارجی اسرائیل محقق گردد.

بر اساس این سناریو، اقدام تحریک آمیز شارون در دیدار از حرم شریف مسجدالاقصی حرکتی از قبل برنامه ریزی شده بود تا روند به بن بست رسیده سازش، جای خود را به عقب‌نشینی تشکیلات خودگردان از مواضع خود در مورد قدس بدهد. در واقع، اسرائیل با علم به این که حضور تحریک آمیز شارون در مکان مقدس مسلمانان، بار دیگر انتفاضه را جوشان و احساسات مسلمانان را بر خواهد انگیخت، به این اقدام دست زد تا با اعمال فشار بر فلسطینیان ساکن در حوالی مسجدالاقصی آنان را از مرکز دور کند و با تثبیت و اسکان یهودیان در اطراف شهر، به تدریج فلسطینی‌ها را به حاشیه براند. شارون بر این گمان بود که سیاست تعادلی آمریکا در حفظ همزمان حضور فلسطینی‌ها و یهودی‌ها در قدس به

شکنندگی این رژیم منجر خواهد شد و بنابراین دوران فترت حاصل از رقابت انتخاباتی در آمریکا، بهترین فرصت را فراروی این رژیم قرار داده است تا سیاست‌های توسعه‌طلبانه ارضی خود را که قبلاً در شهرک سازی تجلی یافته بود تداوم بخشد و یاسر عرفات را بیش از پیش به انفعال بکشانند.

در واقع، رژیم صهیونیستی برای آزمودن دوباره ملت فلسطین، مسجدالاقصی را انتخاب کرد و البته انتفاضة این نقشه را نقش بر آب کرد. سرسختی باراک بر مواضع توسعه‌طلبانه خود با ادامه سیاست شهرک‌سازی، تخریب‌خانه‌های فلسطینیان، مصادره اراضی آنان، تخریب خودروهای آنان و بیرون راندن فلسطینی‌ها از اطراف قدس شریف، در راستای سیاست تشدید اعمال فشار به مرکز برای تهی کردن بیت‌المقدس از ساکنان بومی و در نهایت یهودی کردن کامل آن از طریق به حاشیه کشاندن فلسطینی‌ها بوده است. استفاده این رژیم از بالگردهای توپدار، موشک‌های ضد تانک و حملات بی‌سابقه هوایی، زمینی و دریایی آن به شهر غزه، رام‌الله و کرانه غربی، اقدام این رژیم در بستن مسیر «غزه-اریحا» برای اعمال فشار روزافزون بر فلسطینی‌ها با هدف خروج از مرکز قدس و تثبیت بیت‌المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، نشان دهنده عزم رژیم مزبور برای تداوم سیاست‌های نظامی گریانه و توسعه‌طلبی ارضی بوده است.

فرجام

با عنایت به آنچه گذشت، فرضیه رقیب یعنی غیرهدفمند بودن و فاقد انگیزه بودن بازدید شارون از مسجدالاقصی و نیز عدم انتظار بروز شورش محدود، اولیه و توسعه‌یابنده فلسطینیان به این دلیل مردود است که صهیونیستها با حساسیت‌های فلسطینیان آشنا بوده‌اند. نکته مهم آن که دیدار مزبور، قبل از روز جمعه (زمان برگزاری نماز جمعه در بیت‌المقدس) طراحی شده بود. لذا فرضیه هدفمند بودن این دیدار با توجه به چهار سناریوی پیش گفته تأیید می‌شود.

شایسته است در بررسی بحران، سه مقطع را از یکدیگر تفکیک کرد: پیدایش، فرایند و فرجام. به نظر می‌رسد سناریوی چهارم در پیدایش انتفاضه مؤثر بوده است چرا که اقدام تحریک آمیز شارون با موافقت باراک برای تهدید حریف فلسطینی طراحی شده بود. سناریوهای اول و دوم در فرایند بحران مؤثر بوده‌اند، بدین معنا که احزاب دمکرات و جمهوری خواه آمریکا در صدد بهره‌برداری از تحولات خاورمیانه برای ربودن گوی سبقت از حریف خود بوده‌اند، نه این که خود ایجادگر بحران بوده باشند. عرفات نیز پس از حادثهٔ مزبور در بهره‌برداری سیاسی از آن، برای پیشبرد مقاصد خود در تشکیل دولت مستقل فلسطینی سعی نمود. اما سناریوی سوم به فرجام بحران مربوط می‌شود که ممکن است به سقوط دولت ایهود باراک و روی کار آمدن حکومتی راست‌گرا به رهبری شارون منجر شود. در این صورت به طور قطع، فضای سیاسی افراطی‌تر خواهد شد.

فهرست منابع

- 1- Leaders Salvage, Mid-East Deal, BBC News, 17, Oct. 2000.
- 2- Leaders in Middle East Agree to Seek a Cease Fire. New York Times, Oct. 17, 2000.
- 3- Israel, The World factbook, 2000, Internet.
- 4- New Steps Are Set on Ending Violence in the Middle East. New York Times, Nov. 2, 2000.

۵- مهدی ترحمی، «انتفاضه و شطرنج بحران»، کیهان، ۲۶ آبان ۱۳۷۹، ص ۱۲.

۶- مجله نداء القدس، سال سوم، شماره ۵۳، ۱۳۷۹/۶/۱.

۷- نشریه رویداد و گزارش، ضمیمه ویژه ۵۱، مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی علمی ندا، ۷۹/۷/۶.

۸- نشریه رویداد و گزارش، ضمیمه ویژه ۵۱، (مصاحبه با شائول موفاز رییس ستاد ارتش اسرائیل)، مؤسسه ندا، ۷۹/۷/۶.

۹- نشریه نگرشی بر تحولات سیاسی، شماره ۸۵-۸۴، دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تیر و مرداد ۱۳۷۹.

۱۰- نشریه رویداد و گزارش، ضمیمه ویژه ۵۳ (مصاحبه با نمایندگان کنست اسرائیل)، مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی علمی ندا، ۷۹/۸/۵.

۱۱- نشریه رویداد و گزارش، مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی علمی ندا، ۱۳۷۹/۸/۵.